

سوسو چراغ سینما در سایه جنگ

شکیبا افخمی راد

گزارش روز

نوروز همیشه یکی از ایام پرمخاطب سینماها بوده است. دورانی که فیلم‌های متفاوتی در زائرهای مختلف روی پرده نقره‌ای می‌روند و خانواده‌های زیادی جذب سالن‌های سینماها می‌شوند. اما اگران نوروز ۱۴۰۵ متفاوت از سال‌های گذشته بود. در این اکران برخلاف سال‌های گذشته که ۷ یا ۸ فیلم روی پرده می‌رفتند تنها ۴ فیلم «نیم شب»، «قمارباز»، «بهشت تبهکاران» و «خط نجات» راهی سینماها شدند. فیلم‌هایی با حال و هوای خاص و مناسب با فضای جنگی این روزهای کشور، البته در کنار این آثار چند فیلم کودک و نوجوان و دو فیلم درام که از پیش از نوروز هم روی پرده سینماها بودند به اکرانشان ادامه دادند.
پراساس آمار ارائه شده در سایت سِمفا، سینماهای خراسان رضوی در ۱۴ روز ابتدایی سال ۱۴۰۵ در مجموع ۶۶۶ هزار و ۶۶۶ مخاطب داشتند و به فروش یک میلیارد و ۱۶۱ میلیون تومانی دست پیدا کردند. رقمی که حدود ۸ میلیارد تومان کمتر از فروش سینماهای استان در نوروز ۱۴۰۴ است. البته با توجه به شرایط جنگی در کشور این کاهش فروش تعجب‌برانگیز نیست و حتی می‌توان گفت همین میزان فروش و مخاطب هم در جای خود درخورتوجه است. این نکته را هم باید یادآور شد که با توجه به حاکم بودن شرایط آرام‌تر در خراسان رضوی طی جنگ تحمیلی رمضان، فروش سینماهای این استان نیز بیشتر از سایر استان‌ها بوده است. در ادامه این گزارش جزئیات بیشتری درباره فروش فیلم‌های اکران شده در نوروز ۱۴۰۵ را بررسی کرده‌ایم.

● «نیم‌شب» در صدر جدول

فیلم «نیم شب» به کارگردانی محمدحسین مهدویان که با محوریت جنگ ۱۲روزه و براساس فیلمنامه‌ای از مهدی یزدانی خرم ساخته شده است، رتبه اول جدول فروش اکران نوروزی را در اختیار دارد. این فیلم به ماجرای اصابت موشک رژیم صهیونیستی به منطقه یوسف‌آباد تهران می‌پردازد. موشکی که نزدیک بیمارستان حضرت فاطمه (س) فرود می‌آید، درست جایی که یک منبع بزرگ اکسژن قرار دارد. «نیم شب» اولین بار سال گذشته در چهل و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و نظرات متفاوتی هم از منتقدان و اهالی رسانه دریافت کرد. اما شاید بیشترین موضوعی که باعث شد نام «نیم شب» در جشنواره فیلم فجر بر سر زبان‌ها بیفتد،

اظهارات محمدحسین مهدویان در نشست رسانه‌ای این فیلم بود. او گفته بود: «بازیگرانی که به جشنواره نمی‌آیند و پشت فیلمشان نمی‌ایستند، ترسو هستند». درهرحال «نیم شب» بعد از پشت سرگذاشتن حواشی جشنواره سال گذشته توانست در روزهایی که کشورمان درگیر جنگ با آمریکا و اسرائیل است راهی سینماها شود. موضوع این فیلم و سابقه خوب مهدویان در ساخت فیلم‌هایی براساس رویداد‌های واقعی باعث شد تا «نیم شب» با وجود آنکه از چهره‌های شناخته‌شده در گروه بازیگرانش بهره‌نگرفته است، پرمخاطب‌ترین اثر اکران نوروزی شود. «نیم شب» طی ۱۴روز عید نزدیک به ۶هزار مخاطب را با خود همراه و به فروش ۴۷۸ میلیون تومانی دست پیدا کرد.

● رتبه دوم و سوم برای آثار قدیمی‌تر سینماها

رتبه دوم و سوم جدول فروش به فیلم‌هایی اختصاص دارد که پیش از اکران نوروزی روی پرده سینماها رفته بودند. فیلم «دختر برقی» به کارگردانی حسین قناعت با فروش ۱۴۱ میلیون تومانی و جذب حدود دو هزار مخاطب در رتبه دوم جدول قرار گرفته است. این فیلم که اثری در ژانر کودک و نوجوان است، اکرانش را از ۲۸آبان آغاز کرده و همچنان بعد از گذشت چندماه خانواده‌ها را با خود همراه می‌کند. از بازیگران فیلم «دختر برقی» می‌توان به رایان سرلک، امیرحسین رستمی، هنگامه حمیدزاده و شقایق دهقان اشاره کرد. فیلم «احمد» ساخته امیرعباس ربیعی، سومین اثر پرفروش نوروز ۱۴۰۵ سینماهای خراسان رضوی بوده است. این فیلم از ۳دی‌روی پرده سینماها رفته و در این مدت فروشش ماه، برگزاری جشنواره فیلم فجر و همچنین آغاز جنگ رمضان قرار گرفته است. با این وجود «احمد» در ۱۴روز تعطیلات نوروزی و در چهارمین ماه اکرانش ۱۱۷ میلیون فروش داشته است. فیلم «احمد» شرایط دردناک مردم بم را درست بعد از وقوع زلزله بازنمایی می‌کند و به نقش سردار احمد کاظمی در کمک‌رسانی به مردم زلزله‌زده و مدیریت آن بحران عظیم می‌پردازد.

● استقبال از «قمارباز»

فیلم «قمارباز» به کارگردانی محسن بهاری که از آثار اکران نوروزی محسوب می‌شود، چهارمین فیلم پرفروش عید ۱۴۰۵ است. این فیلم هم در حال و هوای جنگ ۱۲روزه ساخته شده، اثری که به جای تمرکز روی ترس و وحشت

نوید محمدزاده:

عشق است ایران



نوید محمدزاده، بازیگر سینما و تئاتر، در صفحه شخصی اینستاگرام خود به جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران واکنش نشان داد و نوشت: «اول، آخر، وطن، عشق، ایران،

زنده باد مردم ایران، سرزمین نور، ایران باستان، ایران کهن، شکوه اصالت تاریخ، ایران جان، سه تا جنگ بودم ایران، الانم هستم تهران، عشق است ایران»

و خرابی. از منظری متفاوت به این اتفاق پرداخته است و ماجرای هک شدن سیستم بانک‌ها در جنگ ۱۲روزه را روایت می‌کند. آرمن رحیمیان، هنرمند شهیدی، درکنار شبنم قربانی و کوروش تهامی گروه بازیگران «قمارباز» را تشکیل می‌دهند. این فیلم با جذب ۱۳۵۶مخاطب به فروش ۱۱۶میلیون تومانی دست پیدا کرده است و تنها با اختلاف یک میلیونی از فیلم «احمد» در رتبه چهارم هم به پویانمایی «افسانه سپهر» ساخته عماد رحمانی اختصاص دارد. این اثر هم زمان با فیلم «احمد» از تاریخ سوم دی‌ماه اکرانش را در سینماها آغاز کرد.

● ۲فیلم اکران نوروزی در رتبه‌های ششم و هفتم

فیلم‌های «بهشت تبهکاران» و «خط نجات» دو فیلم دیگر اکران نوروزی به ترتیب در رتبه‌های ششم و هفتم جدول فروش قرار گرفته‌اند. «بهشت تبهکاران» ساخته مسعود جعفری جوزانی به روایت یک قصه جنایی-معنایی در دل تاریخ معاصر ایران می‌پردازد و داستان نویسنده جوانی را روایت می‌کند که به عنوان یک فعال کارگری روزگار می‌گذراند و در مسیر راهش اسیر دسیسه‌ای از سوی تبهکاران می‌شود. امیرحسین آرمان، لادن مستوفی، سحر جعفری جوزانی، پژمان بازغی، حمید گودرزی، رضا یزدانی، بهنام تشکر و هومن برق‌نورد از جمله بازیگرانی هستند که در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند. «بهشت تبهکاران» در ایام نوروز با جذب ۹۲۰مخاطب توانست به فروش ۷۹میلیون تومانی دست پیدا کند. «خط نجات» ساخته وحید موساییان و به تهیه‌کنندگی آریتا موگویی یک تریلر سیاسی - عاشقانه است که به موضوع فساد در دوران پهلوی دوم پرداخته است. فروش این فیلم با بازی امیرآقای، مصطفی زمانی، لادن مستوفی و آرمن رحیمیان طی ۱۴روز عید ۶۱میلیون تومان بوده است. در رتبه‌های هشتم تا یازدهم هم به ترتیب فیلم‌های «رخ نیلو»، «یوز»، «ژولیت و شاه» و «ملکه الیشون» قرار دارند. «رخ نیلو» به کارگردانی سیدجلال دهقانی اشکذری یک فیلم اجتماعی است که در ایام نوروز ۷۳۹مخاطب داشت. پویانمایی «یوز» ساخته رضا ارزنگی هم که در ماه‌های اولیه اکرانش مخاطبان زیادی را با خود همراه کرده بود طی ۱۴روز ابتدایی سال ۱۴۰۵، ۲۴۵مخاطب داشته است. «ژولیت و شاه» ساخته اشکان رهگذر و «ملکه الیشون» به کارگردانی ابراهیم نورآورمحمد هم به ترتیب ۱۰۲و ۳۷مخاطب را با خود همراه کردند.

چارسوق هنر

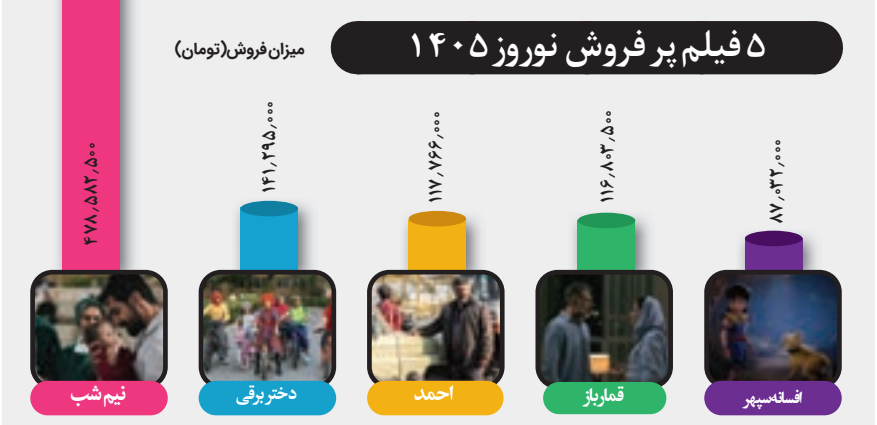
مستند «روایت آقا» امروز از شبکه مستندپخش می‌شود

مستندی از زندگی رهبر شهید

مستند «روایت آقا» به کارگردانی مصطفی صادقی با نگاهی به زندگی رهبر شهید، آیت‌الله خامنه‌ای، امروز ساعت ۲۱:۰۰ شبکه مستند پخش می‌شود.



شاهین از فیلم «نیم شب»



شماeil قهرمان نزدیک نشود. برخلاف قهرمان‌ها-یا ضدقهرمان‌ها-ی کلاسیک که میل به شبیه شدن به آن‌ها در تماشای بیدار می‌شود، داوود اشرف شخصیتی است که کسی نمی‌خواهد شبیهش باشد؛ کسی است که در نهایت بر او ترحم می‌آوریم. تفاوت کار هومن سیدی با کارهایی که در آن‌ها منحنی شخصیت از زیردست و ضعیف به عصیانگر می‌رسد در همین است که شخصیت او، همان است که بود. هر چند عنوان سریال توقعی در بیننده ایجاد می‌کند، اما برخلاف کلیشه و انتظار رایج، هومن سیدی از شخصیتش قهرمانی طغیان‌کرده نمی‌سازد و همین هم از نکاتی است که این اثر را متمایز می‌کند.

● شکست پس از شکست، در موقعیت مرزی

اگر آن اتفاق نمی‌افتاد و دو کودک از ماشین داوود پایین نمی‌پریدند شاید او همه عمر به زندگی‌اش به عنوان یک آدم معمولی که عده‌ای او را دوست دارند و عده‌ای نه، برخی او را ستایش می‌کنند و شماری از او بیزارند، ادامه می‌داد و هیچ از او برلما نمی‌شد و بی‌آزمون، مفتخر به قی‌های معمول، پیر می‌شد، پیری‌ای که با خودش اندک احترامی هم می‌آورد، اما او در تک‌تک آزمون‌هایش شکست می‌خورد. شکست‌های کوچک و بزرگ، آشکار و نهان. اگرستانسیالیست‌ها موقعیت‌هایی که آدم‌ها در آن ناگزیر به گرفتن تصمیم‌های سخت یا کنش‌هایی هستند که هزینه سنگین دارد را، موقعیت‌های مرزی می‌دانند و بر این باورند که اساساً عیار آدم‌ها فقط می‌شود در موقعیت‌های مرزی شناخت. داوود اشرف در چند موقعیت مرزی قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که مردی است با عیار پایین. این جمله را از ارنست همینگوی، خالق «پیرمرد و دریا» نقل کرده‌اند که گفته است شجاعت یعنی «حفظ وقار تحت فشار». داوود اشرف شخصیتی است از زوفا ر تهی. غیبت شجاعت است که مجال بروز رادیل را می‌دهد و او را به موجودی رقت‌انگیز تبدیل می‌کند که در همه کار ناتمام است.

پی‌نوشت

*از آنجا که شجاعت را فضیلت می‌دانند و فضیلت چیزی است در خدمت امر خیر و خوب، شجاعتی که در جهت شر باشد را قابل ستایش ندانسته‌اند. با توجه به این نگاه، استفاده از صفت شجاعت برای شخصیتی مانند داوود اشرف باید در فضای خود او نتیجه‌د دیده شود.

** جملاتی در گیومه از کتاب «در باب شجاعت»، نوشته جفری اسکاتر ترجمه رسول سعدونی، نشر بیدگل

که می‌تواند باعث به نتیجه رسیدن شود. فقدان ثبات قدم، سبب عقیم ماندن هر میل و خواسته‌ای است. شجاعت را همچنین «به معنی نفوق در برابر نیروهای بازدارنده می‌دانند، داوود اشرف نه ثبات قدم دارد و نه ایستادگی و نه توفقی بر نیروهای بازدارنده و موانع مقابلش. جزیر پیرمرد یک لقب‌ای نزارویی‌کس (پدر دو کودک) که از ماشین‌او پایین‌پریدند و خانه داوود اشرف را صاحب شده، بر هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند نظرش را تحمیل کند و این نمونه‌ای است از ضعیف‌کشی که نه تنها قدر و قیمتی به او نمی‌دهد که بیشتر از چشم می‌اندازدش. آدم‌ها و شخصیت‌های دراماتیک‌گاه -حتی به ناگزیر- پس از دوره‌ای از سستی اراده و تحقیر، شجاعت پیدا می‌کنند و دلیری‌شان آشکار می‌شود. حد تحقیر هم برای آدم‌ها متفاوت است، اما دربای تحقیر داوود اشرف کران ندارد، در محل کار، در محله، در زندان، در عشق و در بسیاری جاهای دیگر تحقیر می‌شود. او همه جور تحقیری را تاب می‌آورد و هیچ محرکی نمی‌تواند مولکول‌های شجاعت را در خونش به جریان بیندازد.

مرد ره عشق هم نیست. همان ترس باعث می‌شود که وقتی به جای جایش می‌رسد، جا بزند. هر چند او عشق را هم به زبونی طلب می‌کند و در بست‌سازی و خوار کردن خود مرزی نمی‌شناسد و در نهایت هم تأثیرش بر «رها» (با بازی نگار جوهریان)، دخترکی که ادعا می‌کند عاشقش است، نه از موضع قدرت که از شدت ضعف و ترحم برانگیز بودن است. درنوع‌خودش منحصربه‌فرد است، می‌تواند کاری‌کند که رها به‌او فکر کند، اما انگار این موقعیت را هم از شدت ذلیل بودن به دست می‌آورد. عاقبت در قمار عشق هم یک بازنده است، چون عاشقی هم شجاعت خودش را می‌خواهد. شجاعت ارتباطی مستقیم پیدا می‌کند با میزان فشار یا خطری که ما را تهدید می‌کند. حد فشار و خطر بر داوود اشرف بسیار زیاد است، اما این‌ها نمی‌توانند سبب پیداری دلیری در او شوند.

از جنبه‌ای دیگر، شجاعت را فقط مختص کسانی می‌دانند که «چیزی برای از دست دادن دارند و نگران از دست دادنش هستند». یکی از دلایلی که شجاعت ورزی را دشوار می‌کند، چیزهایی است که ممکن است با شجاعت نشان دادن در معرض خطر و از دست رفتن قرار بگیرند. از همین رو، ما ناخودآگاه از کسانی که چیز کمتری برای از دست دادن دارند -یا چیزهای مهمی را از دست داده‌اند- انتظار شجاعت بیشتری داریم. می‌بینیم که داوود اشرف چیزی برای از دست دادن ندارد و باز عصیان نمی‌کند و همین برآورده نشدن انتظار نیز باعث می‌شود به

داشت و فضیلت شجاعت سبب می‌شده که سراغ رذیلت دروغ نرود خیلی ماجراهای بعدی پیش نمی‌آمد. اما آنچه رفتار او را باورپذیر و مخاطب را با او در تلاش برای رهایی از آن مهلکه همدل و همراه می‌کند، این است که می‌دانیم که احتمالاً اگر ما هم جای او بودیم همین کار را می‌کردیم. و اگر انصاف بدهیم، یادمان می‌آید که برای مسائل خیلی پیش‌یافتاده‌تری هم دروغ گفته‌ایم. بنابراین هیچ‌کدام آن قدر بی‌گناه نیستیم که سنگ اول را به او بزنیم، اما ما تا همه‌جا پای داوود اشرف نمی‌مانیم. از جایی به بعد حس همدلی جای خودش را به ترحم می‌دهد. هر چند در ابتدا برخی دروغ‌های او را توجیه‌پذیر می‌دانیم و با او هم ذات‌پنداری هم می‌کنیم، درکش می‌کنیم و حتی برایش دعا می‌کنیم که دروغ‌هایش کارگر شوند و برهد و بجهد از آن بند ناخواسته در آن گرفتار، اما به مرور این حس و همراهی در مخاطب تحلیل می‌رود. وقاحت در دروغ‌گویی چیزی است که به مرور قوت می‌گیرد و داوود اشرف دلیر می‌شود در آن. او برای گذر از هر تنگنایی، هر چند تنگنایی ناچیز و حقیر باشد از دروغ مدد می‌گیرد و همین شخصیت داوود را رقت‌انگیزتر هم می‌کند. چون، همین مای تماشاجی که برای اثر کردن دروغ‌هایش دعا می‌کردیم، حالمان به هم می‌خورد از کارکتری که هیچ‌جا نمی‌خواهد مسئولیتی بگیرد و سفت و سوز در چشم‌های واقعیت و آدم‌ها زل بزند و راست بگوید و پای کارش بماند.

● قهرمانی که قهرمان نمی‌شود

یکی از کهن‌ترین ایده‌ها و پیرنگ‌ها برای یاغی و وحشی شدن آدم‌ها، حرکت و دگرگونی آن‌هاست از سستی به اراده ورزی و از ضعف و زبونی به اقتدار و قدرت. شخصیت‌های دراماتیک در مسیر قهرمانی این سیر را طی می‌کنند و تأثیر جبر و عوامل بیرونی بر آن‌ها کمتر می‌شود. به این معنا که افسار امور را به دست می‌گیرند و در یک تحول منطقی که گاه بر شخصیت تحمیل می‌شود، این‌آن‌ها هستند که نظر و خواستشان را بر دیگران و محیط اطراف خود تحمیل می‌کنند. این سیر و مسیر با فراز و فرودهایش همیشه جنبه‌ای دراماتیک داشته، چه در زندگی واقعی و چه در آثار ادبی و سینمایی. مخلوق اشرف هومن سیدی اما رهرو این «طریق» نیست. جُبن و ترس و بزدلی در او گویی نهادینه شده است. موجودی است که نمی‌تواند سر برآرد و آموخته شده است به ناتوانی، اندک هوس‌های او برای طغیان، نارس است و زود سرد شده و باز می‌شود همان بزدلی که بود. شجاعت را ثبات قدم هم دانسته‌اند. ثبات قدم است

● گردابی که با یک بد اقبالی آغاز می‌شود

داوود اشرف، کارگر معدن زحمت‌کنی است که از همان قسمت اول و سکانش‌های ابتدایی سریال «وحشی» می‌فهمیم اهل صلح و سازش است و به شدت از حاشیه و درگیر شدن -حتی برای گرفتن حق و حقوق خودش نیز- پرهیز دارد. بیشتر آدم‌خواهش است تا طلب‌کردن و تمام‌تلاشش این است که بی‌اینکه پُرش به پر کسی بگیرد از کنار ماجرا ه‌ر د شود. اما این شر و حادثه‌است که دنبال داوود اشرف می‌گردد. اقبال نقش و سهم بزرگی در سرنوشت او دارد؛ سوار کردن دو کودک و پایین‌پریدن آن‌ها از ماشین او و مرگشان است که ناخواسته این آدم را وارد مهلکه و گردابی می‌کند که همان طور که داوود اشرف را در خود فرو می‌برد سبب می‌شود و جویی از شخصیت او را بیابد، ویژگی‌هایی که شاید خودش هم گمان نمی‌کرد آن‌ها را در خود حمل می‌کرده است.

● توهوع از حقارت دروغ‌های حقیر

دروغ دم‌دست‌ترین ابزاری است که داوود اشرف برای نجات خود از آن استفاده می‌کند. دروغ‌هایی که دروغ می‌زاند و به مرور تکثیر و بیشتر و بیشتر می‌شوند. او اگر شجاعت رو دررو شدن با آن واقعه و بد اقبالی مرگ بار -یعنی پایین‌پریدن دو کودک از ماشینش- را

بزرگ‌ترین خلأ در وجود داوود اشرف، شجاعت است. بسیاری از کنش‌ها و وجه شخصیتی او را می‌شود با توجه به غیاب همین فضیلت درک کرد. بر

مبنای باوری کهن، شجاعت یکی از چهار فضیلت اصلی در کنار احتیاط، اعتدال و عدالت -است که این فضایل چهارگانه را پایه تمام فضایل دیگر دانسته‌اند، براساس این باور، که ریشه در تاریخ اندیشه یونان دارد و در قرون وسطی رونق فراوان داشت، فضایل اصلی در تمام فضیلت‌های دیگر دخیل‌اند. به حدی که اگر بهره‌ای از فضایل اصلی نبرده باشیم، از تمام فضیلت‌های دیگر نیز بی‌بهره می‌مانیم.»

گرچه تکان‌هایی در داوود اشرف می‌بینیم -بالا‌ترین حدش ارتکاب به آدم‌کشی- اما همه این تکان‌ها برآمده از ترس است. او تا پایان فصل دوم، «وحشی» نمی‌شود و تحلیلی که از شخصیت او می‌دهیم با توجه به آن چیزی است که تا کنون منتشر شده است. بعید نیست که در ادامه، نویسنده و کارگردان این اثر، یعنی هومن سیدی از شخصیت اصلی سریالش طبق توقی کلاسیک یک یاغی و وحشی بسازد، اما تا اینجا نشانه‌ای از این تحول و دگرگونی شخصیت نمی‌بینیم.